

ماهنامه

سی و یکسال از تأسیس حزب توده ایران - حزب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر ایران که در تاریخ معاصر کشور ما نقش عظیمی را ایفاء کرده و میکند میگذرد. علیرغم همه دشواریها پیروزی نهائی هدفهای ملی و خلقی حزب امروز بیش از همیشه مسلم است. تردیدی نیست که آینده از آن حزب طبقه کارگر ایران است.

پیام هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به ورزشکاران ایرانی - شرکت کنندگان المپیک تابستانی ۱۹۷۲

ورزشکار در آن خورد میشود. در ورزش ایران تبعیض، دکانداری، پارتی بازی، سوداگری، بی نظمی ریشه‌های عمیق دارد. ورزش ایران فاقد پایه وسیع توده‌ای است برای آن از سطح دبستان و کودکستان در ده و شهر تدارک دیده نمیشود. اعتبارات دولتی غالباً حیف و میل میشود و تازه مقدار آن باندازه کافی نیست. برخی از رشته‌های ورزش از امتیازات طبقات بالاست و در دسترس مردم قرار ندارد.

همه اینها منجر بوقوع حوادث تأسف آوری میشود. کافی است به سرنوشت قهرمان کشتی ایران تختی که از طرف مردم ملقب «جهان پهلوان» ملقب گردیده اشاره کنیم. کافی است از واقعه ای که اخیراً در مورد چند نفر فوتبالیست ایرانی رخ داد و سازمان امنیت آنها را برای تبلیغ بسود رژیم بیای رادیوها کشاند یادآوری نمائیم. حوادثی از این قبیل کم نیست این قبیل حوادث بارها ورزشکاران جدی و شریف را دلسرد و به کناره گیری وادار کرده است.

شما بهتر از هر کس میدانید که ورزش در تملک امروز و فردای انسان چه نقش برجسته ای دارد. ورزش وسیله تأمین سلامت جسم و روح دنباله در صفحه ۳

ما در المپیک تابستانی سال ۱۹۷۲ شرکت جسته‌اید، چند کلمه‌ای سخن گوئیم. هر ایرانی در هر جا که باشد با پیش قلبی نگران کار و کوشش شماست و از کامیابی و افتخار شما خرسند و سربلند میشود. شما نماینده ورزش کشوری هستید که دارای باستانی ترین سنت ورزشکاری است. در سالهای اخیر شما بارها در رشته‌های مختلف ورزش به موفقیت‌های جهانی نائل آمدید و نام ایران را بلند آوازه کردید. ما معتقدیم که موفقیت‌های ورزش ایران به مراتب و به مراتب از آنچه که هست بیشتر میشود اگر در آن وضع تأسف آور کنونی حکمروا نبود. با آنکه در سالهای اخیر در زمینه بسط و تکامل ورزش ایران کارهایی انجام گرفته ولی اولاً این کارها به‌چوچه باسختگویی، کمالات واقعی مردمی که شما برگزیدگان ورزش آن هستید نیست، ثانیاً اسباب و سازمان این کار از بنیاد دارای معایب عمیق است.

ورزش ایران جزء «معلقات» دربار است. تیمسارها و چاکران دربار همیشه ورزش ایران را در قبضه داشته‌اند و دارند. ورزش لانه جاسوسی و تقنین سازمان امنیت است. در سازمان ورزش ایران از همه کراسی خبری نیست و شخصیت

اینک فرصتی است که با شما جوانان غیور ورزشکار که بنمایندگی از مردم میهن

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اعتصاب پیروزمند رانندگان تهران

هیئت مدیره سندیکا (۱) در مصاحبه ای که بوسیله رادیو توپوزیون پخش گردید بالاتفاق اعتصاب را غیرقانونی و رانندگان را باخراج از کار تهدید کردند. چون این تهدیدها مؤثر نیفتاد و اعتصاب یکپارچه رانندگان و کمک رانندگان ادامه یافت، ۴۰۰ راننده ارتشی و ۴۰۰ راننده دولتی و شهر داری را برای بکار انداختن ۸۰۰ اتوبوس بکار گماشتند. معلوم است که در شهر سه مایونی تهران این رانندگان نوکار نه کافی و نه وارد بکار بودند. سرانجام این تلاشها بجائی نرسید و در صفوف پیوسته زحمتکشان شکاف پیدا نمود و پس از سه روز اعتصاب، کارفرما ناچار بقبول خواست رانندگان شد و مبارزه با پیروزی کارگران پایان یافت. این بود بطور کوتاه جریان آغاز و انجام اعتصاب.

اینک ببینیم چرا کارگران دست به اعتصاب زدند و نقش وزارت کار و باصطلاح هیئت مدیره سندیکا، شهردار تهران و دستگاه دولتی در این جریان چه بود و پیروزی زحمتکشان چگونه بدست آمد:

دنباله در صفحه ۴

روز پنجم شهریور تمام رانندگان و کمک رانندگان اتوبوسهای تهران بلااستثناء دست زدن. روزنامه اطلاعات ناچار شد این اعتصاب را که دیگر به‌چوچه نمیشد پنهان کرد، با یک روز تأخیر چنین منتشر کند: «از ساعت یک و نیم بعد از ظهر دیروز اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی بتدریج آغاز و در ساعت سه بعد از ظهر مبدل بیک اعتصاب دستجمعی گردید. رانندگان و کمک رانندگان بعد از اطلاع از مقررات طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق بمنزانی که توقع آنها را برآورد نمیکرد، بعنوان اعتراض بکار نمایندگان خود و مطالبه مبلغ بیشتر بدون هیچگونه اعلام قبلی (۱)، دست به اعتصاب زدند...» همین روزنامه نوشت که: «از طرف دولت بلافاصله اعتصاب بعزل آنکه مقررات قانونی رعایت نشده بود، غیر قانونی اعلام گردید، در جریان بعدی ۲۰ نفر باتهام کارگردانی اعتصاب غیرقانونی توقیف شدند.» عصر اول اعتصاب مدیر عامل شرکت واحد ارداقی، شهردار تهران نیک پی، وزیر کار مجیدی، اعدادی دبیر تحلیلی سندیکای رانندگان و نه نفر دیگر اعضای

اهمیت جهانی نفت خلیج

و نقشه های دامنه دار امپریالیسم جهانی برای آن

۱۹۸۰ مصرف جهانی نفت دو برابر خواهد شد. ضمناً کارشناسان برآورد کرده اند که دست کم طی ۱۵ - ۲۰ سال آینده هیچ منبع انرژی دیگری نمیتواند کشورها را از نفت بی نیاز سازد. منابع موجود انرژی نظیر گاز و زغال و غیره و نیز منابع نفتی که اخیراً در آلاسکا و دریای شمال و مناطق حاره افریقا و جنوب شرقی آسیا کشف شده و با وجود داشته اند صرف نظر از گرانی هزینه های استخراج و استخراج آنها حتی در صورت حداکثر بهره برداری از آنها فقط جزئی از نیاز روزافزون به نفت را برطرف خواهند ساخت.

کلی ذخائر مکشوفه نفت در جهان باستانی

دنباله در صفحه ۳

طی سالهای اخیر نفت در قیاس با سایر منابع جهانی انرژی اهمیت روز افزون کسب کرده و سهم آن به بیش از نیمی از این منابع رسیده است. تولید سالانه نفت در جهان سرمایه داری از ۲ میلیارد تن فزونتر شده است. ولی در میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته فقط آمریکا و کانادا ذخائر نفتی کم و بیش قابل ملاحظه دارند. منابع نفتی اروپای غربی و ژاپن در قیاس با نیازمندیهای آنان بسیار ناچیز است و نفت را بطور عمده از منطقه خلیج فارس و نیز از افریقا و امریکای لاتین و جنوب شرقی آسیا وارد میکنند.

طبق برآورد اقتصاد دانان تا سال

امپریالیسم ژاپن در نقش جدید

در ایران نیست. با عملی شدن توافقات اخیر مناسبات اقتصادی ایران و ژاپن به مرحله تازه ای گام خواهد نهاد و ایران از بازار صدور کالا و خرید مواد خام و سوخت به میدان سرمایه گذاریهای ژاپن تبدیل خواهد شد و ژاپن در کار سرمایه گذاری نیز مقام برجسته ای در اقتصاد ایران بدست خواهد آورد.

دمسازی با شرایط نوین

در مورد چگونگی و شرایط این سرمایه گذاریها هنوز اطلاعاتی در دست نیست. انعقاد قرار داد های نهائی پس از مذاکرات تفصیلی در آینده انجام خواهد گرفت. تازه پس از انعقاد این قراردادها نیز معلوم نیست که افکار عمومی بتواند از جزئیات آنها و بویژه از شرایطی که معمولاً در خارج از متن قرار داد های اصلی و ضمن موافقتنامه های «جنبی» تعیین میشود، آگاه گردد. این امر بررسی تفصیلی و همه جانبه چگونگی این سرمایه گذاریها و شرایط مشخص آنرا در حال حاضر دشوار میسازد. با اینهمه اعلامیه مشترکی که در پایان

دنباله در صفحه ۲

در جریان کنفرانس اخیر سرمایه گذاران ژاپن در ایران اعلام شد که انحصار گران این کشور در حدود ۱۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری خواهند کرد. رشته هایی که این انحصار گران در آن سرمایه گذاری خواهند کرد عبارتست از: صنایع پتروشیمی، نساجی، الکتریک، قطعات صنایع خودرو، لاستیک سازی، تعمیرات کشتی (که بعدها گویا به کشتی سازی تبدیل خواهد شد)، نورد فولاد آهن ورق گالوانیزه، صنایع سنگین (ابزار برش و تولید ماشین آلات مخصوص صنایع شیمیایی، پتروشیمی، سیمان، لاستیک و پلاستیک).

ژاپن تاکنون در بازار گرانجی خارجی ایران نقش مهمی داشته است. چنانکه در سال ۱۳۴۹ بیش از ۱۲ درصد واردات ایران از ژاپن انجام گرفت و در حدود ۵۰ درصد نفت خام و ۲۳ درصد فرآورده های نفتی ایران به این کشور صادر گردید.

با آنکه ژاپن مقام اول را در خرید نفت خام و فرآورده های نفتی ایران و جای سوم را در صدور کالا بایران دارد، از لحاظ سرمایه گذاری دارای نقش قابل ملاحظه ای

برای اینکه سرنوشت جامعه و میهن را در دست خود بگیریم باید برای عملی شدن حقوق و آزادیهای دموکراتیک که در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر تصریح شده و برضد استبداد و رژیم پلیسی و جنایات سازمان امنیت با تمام وسایل و با تمام قوا مبارزه کنیم!

دنباله از صفحه ۱

امیرالیسم ژاپن در نقش جدید

کنفرانس انتشار یافت، با وجود کلی بودن میتوان بر هدف و ماهیت این سرمایه گذارها پرتو افکند. در اعلامیه گفته میشود: «کنفرانس تحولات اخیر بازرگانی، اقتصادی و پولی جهان را به تفصیل بررسی نمود و توجه به این تحولات در زمینه ارجحیت های صنعتی و اقتصادی آینده ژاپن و خط مشی جدید این کشور که بدینال تجدید نظر در این ارجحیت در روابط اقتصادی و بازرگانی خود اتخاذ خواهد کرد، تبادل نظر نمود.»

اگر کلمه «تبادل نظر» را که بیشتر جنبه تعارف و تشریفاتی دارد، کنار گذاریم، مفهوم واقعی تمام جملات مبهم و کلمات مغلق فوق اینست که امپریالیسم ژاپن با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کنونی جهان و شرایط کنونی رشد اقتصادی خود میخواهد در سیاست اقتصادی کشور و نیز در مناسبات خود با کشورهای نظیر ایران اصول و شیوه های تازه ای بکار گیرد.

پیش از بررسی نکات عمده این اعلامیه یادآوری نکته زیرین را ضرور می شماریم: عوامل متعددی نظیر مبارزه در راه استقلال اقتصادی در کشورهای در حال رشد، کمک مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی باین مبارزه، تشدید رقابت میان کشورهای امپریالیستی برای حفظ و تحکیم پارکهای اقتصادی و اجتماعی خود در کشورهای در حال رشد، انقلاب علمی و فنی و عوامل دیگر کشورهای امپریالیستی را ناگزیر ساخت تا در مناسبات اقتصادی خود با کشورهای «جهان سوم» تجدید نظر کنند و برشد برخی رشته های صنعتی که ضمن توسعه مناسبات سرمایه داری در این کشورها بتواند رشته های جدید وابستگی باین کشورها تحمیل کند، کمک نمایند. این سیاست جدید، همان سیاست نو استعماری است و ژاپن نیز در این میان استثناء نیست و میخواهد خود را با شرایط جدید دمساز کند.

از صدور کالا

به صدور سرمایه

ژاپن که پس از جنگ دوم جهانی بطور عمده به صدور کالا متکی بود، از اواسط سالهای ۵۰ وارد بازار سرمایه شد. در آن زمان میزان سرمایه گذارهای خارجی ژاپن کم بود و فقط از اواسط سالهای ۶۰ دامنه این سرمایه گذارها گسترش مییابد. با اینهمه سرمایه گذارهای خارجی ژاپن در کشورهای در حال رشد در قیاس با سرمایه گذارهای سایر کشورهای امپریالیستی بسیار قلیل بود و بطور عمده به منطقه آسیای جنوب خاوری و خاور دور محدود میشد.

پیشرفت سریع اقتصادی و رقابت موفقیت آمیز ژاپن در صدور کالا، به این کشور امکان داد تا ذخائر طلا و ارز خود را بسی افزایش دهد. چنانکه میزان این ذخائر در

سال ۱۹۷۱ به ۵۰ میلیارد دلار رسید و از این لحاظ جای دوم را در جهان اشغال نمود. وجود این سرمایه هنگفت به ژاپن امکان میدهد که اکنون به نقش خود در بازار سرمایه گذاری بپردازد. ژاپن در نظر دارد در سالهای ۷۰ بعینان بسابقه ای به صدور سرمایه بپردازد و توجه خود را با فرقا و امریکای لاتین و آسیای میانه از جمله ایران معطوف دارد. در گزارش «شورای بررسی استروکتور صنعتی» ژاپن گفته میشود که این کشور تا سال مالی ۸۱-۱۹۸۰ سالانه باید ۲۲ درصد به میزان سرمایه گذارهای مستقیم خارجی خود بیفزاید.

در اعلامیه مشترک ایران و ژاپن در این مورد گفته میشود: «کنفرانس توجه نمود که ژاپن مصمم است موجودی ارزی خود را کاهش دهد و میزان افزایش آتی این ذخائر را پائین آورد. کنفرانس همچنین به این نکته توجه کرد که انتظار میرود بر میزان سرمایه گذاری ژاپن در خارج در سالهای آینده بسرعت افزوده گردد و در این زمینه اظهار رضایت نمود که سرمایه گذارهای آتی ژاپن در ایران با سرعتی بمراتب بیشتر از رشد جهانی آن افزایش خواهد یافت.»

تولید بجای خرید

رشد سریع و بسابقه اقتصاد ژاپن در سالهای پس از جنگ به عدم تناسب میان رشته های صنعتی این کشور بسی افزود. ناهماهنگی میان تولید مواد خام و اولیه و سوخت از یکسو و حوائج صنایع تبدیلی ژاپن باین مواد از سوی دیگر شدت یافت. ژاپن بدون وارد کردن مواد خام و اولیه و سوخت نمیتواند صنایع خود را رشد دهد. این مواد بیشتر در کشورهای در حال رشد تولید میشود و سایر کشورهای امپریالیستی تسلط خود را تاکنون بر این رشته ها حفظ کرده اند و از این لحاظ خطری دائم اقتصاد ژاپن را تهدید میکند. ژاپن اکنون در نظر دارد بجای خرید مواد خام و اولیه و سوخت از کشورهای در حال رشد به «میانجیگری»

سایر کشورهای امپریالیستی، خود «صاحب» چنین منابعی در کشورهای در حال رشد گردد. دولت ژاپن در سال ۱۹۷۰ شعار «تأمین مستقلانه» کشور را با مواد خام و انرژی مطرح ساخت. بعقیده محافل اقتصادی ژاپن سالهای ۷۰ باید دوران تجدید تقسیم منابع جهانی مواد خام و سوخت باشد و شرکت فعال در این تجدید تقسیم یکی از هدفهای استراتژیک امپریالیسم ژاپن در عرصه سیاست اقتصادی این کشور اعلام شده است. طبق محاسبه وزارت بازرگانی خارجی و صنایع ژاپن، این کشور فقط برای تأمین صنایع فولاد گدازی خود با مواد خام و اولیه در ۱۰ سال آینده باید ۲۰ میلیارد دلار در خارج از کشور سرمایه گذاری کند.

در اعلامیه مشترک ایران و ژاپن، کشور مامحل مناسبی برای این کار تشخیص داده شده است: «کنفرانس همچنین توجه نمود که

موفقیتهای ایران در امر توسعه صنعتی همراه با منابع فراوان انرژی مخصوصاً نفت و گاز مایع و سایر منابع طبیعی و امکانات این کشور در تهیه کالاهای واسطه و مصرفی آغاز دوران تازه ای را نوید میدهد.»

عوامل مشدد

علاوه بر آنچه گفته شد عوامل دیگری نیز وجود دارد که نیاز ژاپن را به سرمایه گذاریهای خارجی تشدید میکند. در نتیجه مبارزات طولانی طبقه کارگر ژاپن، سطح دستمزدها در این کشور بالا رفته و عاملی که باعث ارزانی و قدرت رقابت کالاهای ژاپنی در بازارهای جهانی میشد، بتدریج تأثیر خود را از دست میدهد. دولت ژاپن بیش از پیش به استثمار نیروی کار ارزان در خارج از کشور نیاز پیدا میکند و میکوشد رشته های کارطلب را در خارج از مرزهای کشور خود - در کشورهای در حال رشد - احداث کند و بدین طریق بحساب استثمار زحمتکشسان سایر کشورها به قدرت رقابت خود با سایر کشورهای امپریالیستی بیافزاید.

رقابت موفقیت آمیز ژاپن با کشورهای امپریالیستی بویژه با آمریکا، این کشورها را با ژاپن در گیر کرد. این کشورها سرانجام توانستند برای کاستن از قدرت رقابت ژاپن افزایش ارزش پول ژاپن «ین» را باین کشور تحمیل کنند و آنرا به خود داری «داوطلبانه» از صدور برخی کالاهای آمریکا و اروپای غربی وادارند. تحمیل این دو اقدام به صدور مستقیم کالا از ژاپن لطمه وارد میسازد و ژاپن برای جبران آن میخواهد با ایجاد برخی رشته های صنعتی در کشورهایی که دارای مواد خام و اولیه و سوخت و نیروی کار ارزان هستند و شرایط مساعدتری برای ورود سرمایه های خارجی فراهم میآورند، باز هم به قدرت رقابت کالاهای خود بیافزاید و در عین حال از برخی امتیازات گمرکی که کشورهای صنعتی سرمایه داری در سالهای اخیر برای کالاهای ساخت کشورهای «جهان سوم» در نظر گرفته اند، برای صدور غیر مستقیم کالاهای خود به این کشورها استفاده کند یعنی از این راه تحمیلات آمریکا و برخی کشورهای اروپای غربی را خشی کند.

تقسیم کار نو استعماری

عواملی که ذکر شد هدف واقعی سرمایه گذاری ژاپن را در ایران بخوبی آشکار میسازد. ژاپن میخواهد دشواریهای رشد اقتصادی خود را با استفاده از مواد اولیه و نیروی کار ارزان ایران بحساب کشور ما برطرف کند.

طبیعی است سرمایه گذاری ژاپن به احداث برخی رشته های صنعتی در ایران منجر خواهد شد. ولی آنچه تاکنون گفته شد بخوبی نشان میدهد که این رشته های صنعتی کاملاً در جهت نیاز مندیهای رشته اقتصادی ژاپن

خواهد بود و عملاً بخشهایی از اقتصاد ایران را وابسته صنایع ژاپن خواهد ساخت.

در اعلامیه کنفرانس گفته میشود: «طرفین با الهام از فرمایشات دور اندیش شاهنشاه اعلام نمودند که منظور از سرمایه گذاریهای مشترک بین دو کشور تأمین هدفهای کوتاه مدت و معامله گری نخواهد بود، بلکه روابط همه جانبه و دائمی را پایه گذاری خواهد کرد.

از این جهت ژاپن سیاستهای صنعتی خود را بطور مثبت اتخاذ خواهد نمود تا جریان تقسیم کار در سطح بین المللی را بتجوی تسهیل نماید که صنایع اشتغالزا و صنایع فرآورده های واسط را بتدریج به ممالکی که دارنده مواد اولیه این صنایع میباشند، منتقل نماید.»

این بخش از اعلامیه ماهیت سرمایه گذاریهای ژاپن را در ایران کاملاً افشا میکند و نشان میدهد که انحصار گران ژاپن چه نوع تقسیم کاری را میخواهند به اقتصاد ایران تحمیل کنند. «صنایع اشتغالزا» همان صنایع کارطلبی هستند که بدون سرمایه گذارهای هنگفت سود فراوان نصیب انحصار گران میسازند (ضمناً در اینجا خصلت «صنایع سنگین» که ژاپن میخواهد در ایران بوجود آورد، روشن

میشود) و «فراورده های واسط» همان مواد اولیه و خامی هستند که باید صنایع کلیدی ژاپن را تغذیه کنند و عملاً صنایع کشور را به زائده صنایع یک کشور امپریالیستی مبدل کنند و این نوع تقسیم کار همان تقسیم کار نو استعماری است که دول امپریالیستی در شرایط کنونی آن توسل میجویند.

امپریالیسم ژاپن و انحصار گران ژاپنی در عرصه صدور سرمایه و «کمک» برشد صنعتی کشورهای در حال رشد رسالت خاصی ندارند و بهتر از سایر همکاران عمل نمیکند.

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

مسعود .

دنباله از صفحه ۳

فقر در آمریکا

ایالات متحده آمریکا در هر گوشه ای با منظره فقر برخورد میکند بویژه در شهرهای پر جمعیت یا در دهات دور افتاده. ولی بیش از همه فقر در جنوب کشور دیده میشود، ۴۴ درصد فقره کشور در جنوب بسر میبرند.»

مجله مینویسد: «در حالیکه سیاهان ۱۰ درصد اهالی کشور را تشکیل میدهند، ۳۰ درصد آنها جزء فقرا محسوب میشوند.»

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

باید برای استقرار استقلال و دموکراسی علیه امپریالیسم و استبداد، بدون تسلیم طلبی و سازشکاری در مقابل رژیم، بدون ماجراجوییهای بی سرانجام، در تمام عرصه های سیاسی و اقتصادی و فکری با استفاده از کلیه وسایل ممکن مبارزه کرد. تنها این مبارزه است که راه را بتدریج برای تحول بنیادی کشور خواهد گشود.

دنباله از صفحه ۱

اهمیت جهانی نفت خلیج ...

کشورهای سوسیالیستی اکنون به ۷۳ میلیارد تن میرسند. ولی نزدیک به ۵۰ میلیارد تن از این ذخائر در منطقه خلیج فارس متمرکز است و بقیه آن که فقط ۲۳ میلیارد تن میشود در سراسر امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی و افریقای شمالی و حاره و جنوب شرقی آسیا پراکنده است. مجموع ذخائر مکشوفه نفت امریکا فقط به ۵ میلیارد و کل ذخائر آن در سراسر قاره امریکای شمالی و جنوبی به ۱۰ میلیارد تن میرسد. همینجا یادآور میشویم که میزان ذخائر مکشوفه نفت ایران ۷۰ میلیارد، کویت ۹ میلیارد و عربستان سعودی قریب ۲۰ میلیارد تن است.

نفت برای امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم امریکا فقط منبع سودهای هنگفت و وسیله توسعه نفوذ سیاسی نیست. اهمیت نفت برای کشورهای امپریالیستی بویژه از آن جهت است که بدون آن اقتصاد کشورهای امپریالیستی بکلی فلج خواهد شد. در سال گذشته میزان استخراج نفت در منطقه خلیج فارس به بیش از ۸۰۰ میلیون تن رسید. اروپای غربی ۴۷ درصد و ژاپن ۷۰ درصد نفت مصرفی خود را از کشورهای نفتخیز خاور میانه وارد کردند و این نسبت در سالهای آینده سرعت افزایش خواهد یافت.

ایالات متحده امریکا بموجب برآورد اقتصاد دانان آن در سال ۱۹۸۵ مجبور خواهد بود هر سال نزدیک به ۸۰۰ میلیون تن نفت وارد کند و حسابش اینست که قریب ۵۵۰ میلیون تن آنرا فقط از محل منابع نفت خلیج فارس تأمین نماید.

همین جهت منابع نفت منطقه خلیج در نقشه های استراتژیک امپریالیسم امریکا جای خاصی احراز میکند. نفت این منطقه دیر زمانی برای انحصارات نفتی کشورهای سرمایه داری و در درجه اول امریکا و انگلستان بسیار ارزان تمام میشد. در سال ۱۹۶۰ یک تن نفت مثلا در امریکا بیش از ۱۲ دلار ولی در خاور میانه فقط در حدود یک دلار هزینه بر میداشت. در سالهای اخیر کشورهای نفتخیز و در پیشاپیش آنها برخی از کشورهای عربی در قبال تاراجگری های بیرحمانه انحصارات نفتخوار با قاطعیت به مبارزه برخاستند و با استفاده از وضع جهانی مساعد و در درجه اول پشتیبانی مؤثر اتحاد شوروی توانستند شرایط تازه ای بسود خود به کارتل جهانی تمجیل کنند. در ژوئن سال جاری نخست جمهوری عراق و سپس سوریه دارائی کنسرن بین المللی نیرومند «ایراک پترولیوم کمپانی» را ملی اعلام کردند. مجله امریکائی «یونایتد استیتس نیوز» اندورلد ریپورت «در ۲۶ ژوئن سال جاری نوشت: «اگر سیستم سابق که نفت ارزان برای غرب تضمین میکرد از هم فروپاشد اقتصاد امریکا و هم پیمانان آن در ناتو ضریب سنگین وارد خواهد آمد.»

در سالهای اخیر سیستم تحت الحمایگی و سیطره استعماری مستقیم امپریالیسم انگلیس در منطقه خلیج فرو پاشید و سپس فدراسیون شیخ نشینهای ساحل جنوب خلیج پدید آمد. اکنون لندن بطور عمده به سلطان نشین عمان که وابسته به انگلستان است تکیه دارد و در مسقط و سلاله پایگاههای هوائی احداث کرده است و از همانجاست که هواپیماهای انگلیسی علیه ارتش آزادیبخش ظفار به پرواز درمی آید. پایگاه هوائی و دریائی بزرگ انگلستان در مسیر واقع در کرانه جنوب شرقی شبه جزیره عربستان توسعه می یابد و در عین حال برای زیر دریائی های امریکا نیز همانجا پایگاه احداث میشود.

امریکا تا کنون از جبهه گیری مستقیم در برابر نیروهای میهن پرست این منطقه بهره بردار داشته و ترجیح میداد که با دست دیگران عمل کند. تکیه گاه اساسی امریکا در شبه جزیره عربستان همچنان همان رژیم سلطنتی مستبد عربستان سعودی است که با کارتل های بین المللی نفت پیوند استوار دارد. ولی امپریالیسم امریکا میکوشد مواضع خود را در سراسر منطقه خلیج فارس مستحکم سازد. سبکو معاون وزارت خارجه امریکا در امور خاور نزدیک در اوایل اوت امسال گفت: «امریکا در منطقه خلیج فارس دارای منافع استراتژیک و اقتصادی بسیار است و قصد دارد حضور نظامی خود را در آنجا حفظ کند.»

حضور نظامی امریکا در این منطقه با احداث پایگاه نظامی در بحرین آغاز شد. ستاد فرماندهی نیروهای دریائی امریکا در خاور نزدیک نیز در همانجا مستقر است. علاوه بر این بطوریکه منابع موثق اطلاع میدهند وزارت جنگ در نظر دارد پایگاههای هوائی جزائر محرق و منامه را نیز در مجمع الجزایر بحرین تحت کنترل خود بگیرد. امریکا در سال ۱۹۷۱ پیش از خروج نیروهای انگلیس از شارجه پایگاه هوائی آنرا «اجاره کرد» و اینک در نظر دارد فرودگاههای کاملاً مدرن ابو ظبی و دوبی و دوحه (در قطر) را نیز به قبضه خود در آورد.

ولی نقشه های امریکا بدینچا پیمان نمیدرود. واحدهای نیروی دریائی آن در خلیج فارس در اختیار فرماندهی نیروهای امریکا در اقیانوس آرام قرار داده شده است و هدف از این اقدام آنستکه ناوگان امریکا در خلیج فارس بوسیله کشتی های جنگی ناوگان هفتم تقویت شود. به همین جهت ستاد نیروی دریائی امریکا در صدد برآمدن جریمو موسی رانیز که نیمی از آن ظاهرآ بایران تعلق یافته است به پایگاه خود بدل کند و شاه و دولت او که پیروی از استراتژی و نقشه های تجاوز کارانه امریکا را برای حفظ بیوندیهای خود با امپریالیسم جهانی ضروری میدانند جزیره ابو موسی را کاملاً در اختیار نیروی دریائی امریکا قرار دادند و بدینسان کانون تجدیدنی برای تشدید و خامت در خلیج فارس پدید آوردند.

دنباله از صفحه ۱

بیم هیئت اجراییه ...

و مبنای تدارک قدرت کار، عزم قهرمانی و مبارزه است. نقش ورزش در میان ملل جهان بسرعت بالا میرود. ورزش در صحنه بین المللی به وسیله مهم همکاری و دوستی بین خلقها بدل شده است. ما برآنیم که ورزشکاران ایران نباید بقای وضع کنونی را در سازمان ورزش ایران تحمل کنند، بلکه باید با استفاده از امکانات برای ایجاد یک تحول عمیق و مثبت در ورزش ایران دست به مبارزه زنند. بنظر ما مبارزه منطقی و بیگرو و شجاعانه ورزشکاران ایران میتواند تحت شعارهای زیرین انجام گیرد:

۱ - ورزش نباید وسیله ای در دست دربار باشد و تحت کنترل تیمساران و چاکران دربار قرار گیرد. اداره امور ورزش باید بدست کارشناسان این رشته یعنی خود شما ورزشکاران سپرده شود.

۲ - از تبدیل ورزش بوسیله ای برای سوداگری و انتفاع خصوصی باید اکیداً اجلو-گیری بعمل آید. رشته مهم و حساسی مانند ورزش نباید با روح دکانداری و سودورزی آلوده گردد.

۳ - ورزش باید توده ای شود و در سطح مدارس توسعه یابد و اعتبارات کافی برای گسترش نیرومند ورزش و ایجاد باشگاههای ورزشی و تأمین امکان وسیع تمرینهای ورزشی در سراسر کشور اختصاص داده شود و از آنجمله باشگاههای ورزشی در جنب کارخانه ها

دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی رخنه روز-افزون نیروی دریائی امریکا را در خلیج فارس ناشی از ضرورت برقراری «توازن» نیروها در این منطقه که گویا با خروج انگلستان برهم خورده است جلوه میدهد. ولی این دعوی بکافی بی پایه است. امپریالیسم امریکا با توجه به اهمیت روز افزون خلیج فارس و نیازمندی مبرم خود به منابع آن میخواهد کرانه های جنوبی خلیج فارس را نیز به «حریم» خود بدل کند و برتری استراتژیک خود را در این منطقه تأمین نماید. جنجالهای تبلیغاتی که گاه گاه درباره «توسعه طلبی» اتحاد شوروی در خلیج فارس و اقیانوس هند برپا میشود و بلندگویان تبلیغاتی رژیم ایران نیز از پیسی آن بصدا در می آیند فقط برای موجه جلوه دادن همین اقدامات نظامی وزارت جنگ امریکا است. اخیراً برای تصریح این مطلب که خلیج «حریم» امپریالیسم است دعوی میشود که این منطقه «جناح شرقی» پیمان ناتو را تشکیل میدهد.

دنباله روی آگاهانه دولت ایران از نقشه های نظامی تجاوز کارانه امریکا و هم پیمانانش در منطقه خلیج صلح این منطقه و امنیت کلیه کشورهای مجاور آنرا شدیداً بخطر میاندازد. پیروی از این سیاست نا بخردانه خلاف روح زمان و خیانت به مصالح حیاتی مردم ایران است. پ. هرمنز

دنباله از صفحه ۱

۴ - در ورزش ایران باید با تبعیض، دزدی و زور گویی مبارزه شود. سازمان ورزش ایران باید بر پایه دموکراتیک قرار گیرد تا هر ورزشکار بتواند در آن شخصیت خود را حفظ کند و سخن و رای خود را داشته باشد و در جریان کار مؤثر باشد.

۵ - دست سازمان امنیت باید از ورزش ایران کوتاه شود. ورزش نباید لانه جاسوسان و مأمورین این سازمان قرار گیرد.

تردید نیست که در شرایط رژیم ترور و اختناق، تسلط دربار و چاکرانش بر ورزش ایران، این مبارزه، مبارزه آسانی نیست، ولی یکی از شرائط واقعی غیرتمندی و روح ورزشکاری دست زدن به مبارزاتی است که در آن سود ورزش ایران و منفعت تمام مردم نهفته است. بعلاوه اگر این مبارزه با استفاده از سازمانها و مقررات موجود ورزشی با خردمندی و دقت کافی بایگیری و در طول مدت ادامه یابد، مسلماً میتواند به نتایج لازم برسد.

هیئت اجراییه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۴ شهریور ۱۳۵۱

فقر در امریکا

مجله بورژوائی معروف آمریکائی «یونایتد استیتس نیوز اند ورلدریپورت» در شماره ای که دهم اوت ۱۹۷۲ نشر یافته، بر اساس گزارش «گروه ویژه اقتصادی» که از طرف دولت امریکامأمور بررسی مسئله فقر در ایالات متحده بوده است، اطلاعاتی نشر داده است. این اطلاعات از جهت اعتراف رسمی مقامات و مطبوعات سرمایه داری امریکا فوق العاده جالب است.

مجله نامبرده تحت عنوان «آیا امریکائی شکوفان میتواند به فقر پایان دهد» مینویسد: «برای ایالات متحده امریکا که غنی ترین کشور روی زمین است مبارزه با فقر دمیدم دشوارتر میشود... امروز تعداد کسانی که آنها را با عنوان «فقر» توصیف میکنند بیش از سه سال پیش است. امکان دارد که ایالات متحده امریکا هرگز از تعداد کثیری فقراء واقعی که برای تأمین اولیه ترین حوائج زندگی احتیاج به مساعدت دارند خلاص نشود.» موافق مصاحبه ای که در مجله شده است تعداد فقراء امریکابه ۲۵ میلیون و پانصد هزار نفر بالغ است و این تعداد برابر است با ۱۲٫۵ درصد کل نفوس امریکا. مجله می نویسد: «از هر هشت تن امریکائی یک نفر در فقر بسر میبرد... صاف و ساده، ما در جریان یافتن امکانات مساعدت به مستمندان و فقیران به بن بست افتادیم. کسانی که امکان داشتند از اعماق فقر خود را بهر زوری که هست بیرون بکشند در سالهای شصت این کار را کرده اند و کسانی که از عهد این کار بر نیامده اند، در همان اعماق باقی مانده اند... انسان در

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران خواستار اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت هستند و بر آنند که شرایط جهان برای تأمین این منظور از همیشه مساعد تر است .
مردم ایران تمديد قرار داد با کنسرسیوم را خیانت بمنافع ملی میدانند و این قرار داد ها را برسیت نمی شناسند .

دنباله از صفحه ۱

اعتصاب پیروزمند رانندگان تهران

خواست رانندگان

طبق اظهار ارداقي، مدير عامل شرکت واحد اتوبوسرانی، در بهمن ماه ۱۳۵۰ قراردادی دستجمعی با رانندگان بسته شد که شرکت را موظف باجسرای مواد آن و از جمله طبقه بندی مشاغل رانندگان و کمک رانندگان میکرد. (این قرار داد خود نتیجه اعتصاب همگانی رانندگان در سال پیش بود) از بهمن ماه تا کنون شرکت بانجاه گوناگون از اجرای طرحی که وزارت کار و امور اجتماعی برای طبقه بندی مشاغل در مورد رانندگان تهیه کرده بود امتناع نمود. مدیر عامل شرکت در جریان مصاحبه علت این امتناع را چنین شرح میدهد: «... متوجه شدیم با وضع بدی که شرکت واحد از لحاظ مادی دارد ممکن است پیاده کردن چنین طرحی برای ما باعث درد سر شود بلافاصله بوزارت کار مراجعه کردیم که بینیم طرح مذکور تا چه حد معقول است» وزارت کار که خود طرح را تهیه و تنظیم کرده بود، بجای آنکه کار فرما را وادار با اجرای آن کند جلسه ای با شرکت کار فرما و هیئت مدیره سندیکای رانندگان که با دخالت سازمان امنیت و کار فرما بکارگران تحمیل شده اند، تشکیل داد.

کار فرما باین دستاویز که: «با توجه بوضع بد مالی شرکت واحد و یافشاری دولت که نمیخواهد بلیطها گران شود و بمردم پایتخت تحمیل گردد» قبول کرد که شرکت فقط بین ده تا ۱ درصد بحقوق رانندگان بیافزاید. نمایندگان وزارت کار و هیئت مدیره سندیکا هم تسلیم نظر کار فرما شدند و کار را پایان یافته تلقی کردند. در واقع وزارت کاری برد که طرح خودش با منافع کار فرما وفق نمیدهد و باین معنی قبول کرد که «نامعقول» بوده است! همینکه رانندگان از ساخت و یاخت باصطلاح نمایندگان خود و کار فرما و وزارت کار آگاه شدند از صبح روز شنبه پنجم شهریور ماه دست از کار کشیدند و با اتکاء به نیروی خود وارد مبارزه برای احقاق حقوق مسلم خویش شدند. خواست کارگران اجرائی کامل قرارداد بهمن ماه سال پیش یعنی قراردادی بود که بتصویب کار فرما و وزارت کار رسیده بود. رانندگان ماهها از طریق قانونی برای اجرای آن اقدام کردند و بی نتیجه ماند. ناچار راه دیگری جز اعتصاب وجود نداشت و این همان راهی بود که آنها را به پیروزی نسبی رساند.

نقش دولت

و «هیئت مدیره» سندیکا

در جریان این اعتصاب نقش دولت و رهبران

تحمیلی سندیکا بنحو بارزی برملا گردید. دولت عده ای از رانندگان را مانند همیشه با اتهام «تحریک» باعتصاب توقیف و اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد. وزیر کار در جریان مصاحبه خود گفت «باید بگویم که در صورتیکه آنها را اخراج کنند وزارت کار هیچ نوع حمایت قانونی نمیتواند از آنها بکند» مدیر تحمیلی سندیکا نیز به پیروی از وزیر کار و مدیر عامل شرکت واحد گفت «کارگران ما که بوسیله عده ای انگشت شمار اغفال شدند دست از کار کشیدند و بعنوان اعتراض بدون اطلاع اعتصاب کردند». شهردار تهران عربده جویناه گفت «من بعنوان شهردار اعلام میکنم که هیچ عمل خلاف قانونی را اغماض نمیکنم و خیال میکنم که شرکت واحد پیش بینی های لازم را برای خنثی کردن این اعتصاب و تأمین رفاه مردم کرده ولی امیدوارم وضعی پیش نیاید که در صورت عدم حضور رانندگان از این پیش بینی ها استفاده و طرحها اجرا شود» بدین ترتیب نمایندگان رژیم دیکتاتوری چهره واقعی حکومت «طرفدار کارگر» را بی پرده نشان دادند. در این جریان هیئت مدیره تحمیلی سندیکا که معمولاً با دخالت سازمان امنیت و کار فرما بکارگران تحمیل میشوند نیز با اینکه در مصاحبه کدائنی چند بار تکرار کردند که «انتخابی» هستند، ثابت نمود که نقش واقعی آنها دفاع از منافع کار فرما و اجرای دستورات رژیم ضد کارگر در لباس نماینده کارگران است. «وضع بد مالی شرکت»، «یافشاری دولت که نمیخواهد بلیطها گران شود»، «رفاه مردم» واز اینگونه عبارات دلایل مسخره ای بود که مدیر عامل، وزیر کار، شهردار تهران، و دبیر سندیکا برای ردخواست قانونی زحمتکشان راننده بدانها متوسل شدند. گوئی رانندگان تهران که یکی از پررنجترین کارها را انجام میدهند مسئول وضع بد مالی شرکت و تأمین رفاه مردم هستند نه دولت. دولت مسئول تأمین وسایل ارزان برای ترافیک پایتخت ۳ میلیونی تهران است و باید بودجه آنرا نه از راه تحمیل به رانندگان بلکه بحساب آنهائی که تهران جولانگاه ماشینهای آخرین سیستم و بهشت یر از عیش و نوش آنهاست، تأمین کند.

چگونه رانندگان پیروز شدند؟

تنها عامل پیروزی زحمتکشان راننده اتحاد، یکپارچگی و ایستادگی آنها بود. رانندگان در مقابل فشار، تهدید و توقیف به دستگاه دولتی سر تعظیم فرود نیاوردند و با استفاده از تجربه سودمندی که یکسال پیش در جریان اعتصاب همگانی خود بدست آورده بودند، آنقدر مقاومت کردند که کار فرما ناچار شد بیست درصد بحقوق آنها بیفزاید و تعهد نماید که سایر خواسته های آنانرا

پیگره هائی در باره پنجاه سال اقتصاد شوروی

در اتحاد شوروی اکنون در هر ۲۷ ساعت بهمان مقدار محصول تولید میگردد که در تمام سال ۱۹۲۲ تولید میشده است. موافق برآورد اقتصاد دانان شوروی، حجم محصولات صنعتی شوروی امروز بالغ بر ۷۵ درصد حجم محصولات صنعتی آمریکا است. خبرگزاری شوروی در یکی از گزارشهای خود چنین مینویسد: در سال ۱۹۲۲، هنگامیکه در نتیجه پیوند تعدادی از جمهوریهای شوروی «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» پایه گذاری شد، محصولات صنعتی کشور بزحمت به ۳۰ درصد سطح تولید صنعتی در سال ۱۹۱۳ میرسید. عبارت دیگر میزان محصول صنعتی شوروی در سال ۱۹۲۲ تنها یک دهم محصولات صنعتی آمریکا بوده، یا چندین برابر کمتر از محصول هر یک از کشورهای بزرگ اروپای غربی (مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و ایتالیا). در سال ۱۹۲۲ آمریکا ۸۰ برابر شوروی برق و ۱۱۳ برابر فولاد تولید میکرد. محصولات صنعتی شوروی از سال ۱۹۲۲ بعد ۳۲۲ برابر افزایش یافته است. طی این مدت تولید ناخالص کشاورزی (با در نظر گرفتن رشدی برابر با ۱۷ درصد نفوس) پنج برابر شده است. در سال جاری سرمایه گذاری سرانه طبق نقشه اقتصادی ۳۲۳ روبل است. در نیمقرن پیش سرمایه گذاری سرانه تنها ۱٫۴۷ روبل بود.

آهنگ رشد و تکامل اقتصاد شوروی، بخصوص در تولید صنعتی، امکان پذیر ساخت تا این کشور نه فقط به تمام کشورهای بزرگ اروپای غربی برسد بلکه حتی از آنها بر مراتب پیشی گیرد. مثلاً ۵۰ سال پیش مجموع تولید برق انگلستان، فرانسه و ایتالیا ۲۶ برابر بیش از تولید برق اتحاد شوروی بود. برعکس در سال گذشته در اتحاد شوروی یک برابر و نیم بیش از این سه کشور برق تولید شده است. در سال ۱۹۲۲ در اتحاد شوروی تولید فولاد تقریباً یک چهارم مقدار فولادی بود که در سه کشور نامبرده تولید میشد، در صورتیکه محصول فولاد اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۱ بیش از دو برابر این سه کشور بود، در شوروی ۱۲۰ میلیون تن فولاد تولید گردید، ولی در سه کشور اروپای غربی مجموعاً ۶۴ میلیون تن. تعداد کارگران صنعتی در نیم قرن ۱۷ برابر شده است. تعداد کارگران ساختمان ۹۳ برابر، بهداشت ۲۳ برابر، آموزش عمرمی و فرهنگ ۱۶ برابر و علوم تقزیناً ۱۰۰۰ برابر شده است.

مورد رسیدگی قرار داده و انجام دهد. فاش شدن روشن و آشکار چهره هیئت مدیره قلابی سندیکای رانندگان بکارگران بیش از پیش فہاند که تا چه حد مبارزه برای انتخاب نمایندگان واقعی خود در سندیکاهای موجود در مبارزه مطالباتی آنها تأثیر دارد.

درسی آموزنده

برای همه زحمتکشان

اعتصاب پیروزمند رانندگان تهران درسی آموزنده و تجربه ای گیرانها برای تمام زحمتکشان ایران است. در نبردی که برای مطالبات حق زحمتکشان در گرفت تنها نیروئی که یاری کارگران شناخت نیروی

اتحاد و یکپارچگی آنان بود. نه شاه که مدعی پشتیبانی از کارگران است، نه وزارت کار، نه دستگاههای تبلیغاتی و نه احزاب دولتی، هیچیک نه تنها کمکی نکردند، بلکه تمام قدرت خود را بکار انداختند تا اعتصاب کارگران را درهم شکنند. کارگران در تمام سه روز مدت اعتصاب از هر اقدامی که مبارزه حق طلبانه آنها در افکار عمومی مردم لطمه وارد سازد احتراز نمودند و با نیروی

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با راديو پيك ايران، ماهنامه مردم، مجله دنيا و مجله مسائل بين المللی مکتبه کنید. نظريات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود راديو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

مردم ایران! با رخنه روز افزون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فکری امپریالیسم که منافای با استقلال واقعی کشور است مبارزه کنید و نگذارید که استعمار کشور ما با شیوه های مستور تر و ظریف تر ادامه یابد و سرنوشت ایران همه جانبه به اراده امپریالیسم وابسته شود!